

نگاهی روان‌شناختی به «انسان کامل از دیدگاه قرآن»

محمد تقی محمدی *

محمد رضا سالاری فر **

چکیده

هدف از این پژوهش عبارت بود بر داشتن گامی در جهت ارائه یک تحلیل روان‌شناختی از «انسان کامل در قرآن» و به دنبال آن، پاسخگویی به این سؤال که «چگونه می‌توان محتوای قرآنی مربوط به انسان کامل را ساختاری روان‌شناختی داد؟». روش پژوهش عبارت بود از تحلیل مفهومی و نظری مفاهیم مربوط به «انسان کامل» با روش‌شناسی رایج در حوزه‌های علمیه و علوم اسلامی، این تحقیق با بررسی و تحلیل آیات قرآن در مورد انسان‌های برتر، فهرستی از معادل‌های انسان کامل را از قرآن استنباط نمود. آنگاه با التزام به مفاهیم آیات قرآن به قالب‌ریزی آن در مفاهیم اساسی دانش روان‌شناسی پرداخت.

براساس دستاوردهای این تحقیق که رویکردی میان‌رشته‌ای را تعقیب کرده، ویژگی‌های انسان کامل در چهار دسته شناختی، رفتاری، عاطفی و سه‌جنبه‌ای از قرآن را استخراج و در قالب چند مدل تصویری ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: انسان کامل، قرآن، روان‌شناسی، شناخت، رفتار، عاطفه

مقدمه

انسان کامل، مفهومی است که از دیرباز مورد توجه فلاسفه بوده است. فلاسفه‌ای مانند افلاطون، ارسطو و اپیکور در این مورد دیدگاه‌هایی را ارائه داده‌اند (بشیری، ۱۳۸۸). فلاسفه مشاء مانند ابن‌سینا، کمال انسان را در فلسفه نظری و فلسفه عملی یعنی اخلاق می‌دانستند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۱۷). حکمت متعالیه علاوه بر تأکید بر عقل به مرکب دل نیز می‌پردازد و کمال انسان را در دو بعد می‌داند (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۲؛ ج ۹، ص ۷۶) عرفا نیز به کمال انسان پرداخته و از جمله آنها می‌توان از نسفی (الانسان الکامل) و جیلی (الانسان الکامل فی معرفه الا واحد والاوائل) نام برد.

روان‌شناسی به عنوان یک علم تجربی جدید، مفهوم انسان کامل و رشد یافته را مد نظر قرار داده و دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسان را در این مورد ارائه کرده است (شولتس، ۱۳۸۴). یکی از مسائل جالب توجه در این موضوع آن است که چگونه می‌توان تلفیقی از دیدگاه اسلامی و روان‌شناختی از کمال انسان را ارائه داد. به عبارت دیگر اگر آموزه‌های متون اسلامی خصوصاً قرآن را در مورد کمال انسان جستجو کنیم، آیا می‌توان آن را در قالبی روان‌شناختی ارائه کرد؟ در این صورت، می‌توان مقایسه‌هایی بین دو دیدگاه انجام داد. بر این اساس مسئله این تحقیق آن است که چگونه می‌توان ویژگی‌های انسان کامل در قرآن را در قالبی روان‌شناختی ارائه داد؟

روش‌شناسی

در این پژوهش ابتدا با مطالعه «توصیف‌های مربوط به انسان‌های برتر در قرآن»، مجموعه‌ای از صفات به دست آمد. بدین منظور همه آیات قرآن، مطالعه شد. برای کشف ویژگی‌های انسان کامل در قرآن، به صفات انسان‌های نمونه نامبرده شده در قرآن نیز توجه شد. صفات و ویژگی‌های انسان‌های برتر، به کمک تحلیل محتوای آیات قرآن به دست آمد. در مرحله دوم، با پذیرفتن این تعریف از روان‌شناسی که دانش مطالعه رفتار، عواطف، انگیزه‌ها و فرآیندهای شناختی انسان است، هر یک از ویژگی‌های انسان کامل را در یکی از چهار دسته قرار دادیم؛ به این ترتیب، ویژگی‌های انسان کامل را در چهار دسته قرار دادیم: ویژگی‌های شناختی، عاطفی، رفتاری و ویژگی‌های سه‌جنبه‌ای.

مفهوم‌شناسی انسان کامل در قرآن

برای بررسی ویژگی‌های انسان کامل در قرآن باید به دنبال اوصافی باشیم که مراتب بالای سعادت را نشان می‌دهد و فرد در آن مرتبه، از نقص‌ها، عیوب و ضعف‌های انسان‌های عادی

مبرا است. بنابراین استفاده از نرم‌افزار جامع الاحادیث و کلیدواژه‌هایی مانند تقوا،^۱ فلاح،^۲ سعادت،^۳ فوز،^۴ ایمان،^۵ و اسلام^۶ می‌تواند قدم اول کمال باشد؛ در قدم دوم باید درک و فهم درستی از مراتب بالاتر این اوصاف داشته باشیم؛ مثلاً از دیدگاه قرآن گرامی‌ترین افراد، کسانی هستند که تقوای بیشتری دارند. همچنین باید به دنبال ویژگی‌هایی باشیم که نشانگر کامل‌ترین ایمان‌ها است. چنان که در روایات با چنین تعبیرهایی مواجهیم.^۷ در روایات معصومان آمده است که کمال در «تفقه در دین» (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳)، «صبر در مصائب»، «اندازه ننگ داشتن در معیشت» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۷۸، ص ۱۷۲)، «جهاد در راه اصلاح نفس» (آمدی، ۱۳۶۶، ح ۴۳۱۸)، «پارسایی و حسن خلق» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۷۰، ص ۲۹۰ و کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳)، «جدیت» (آمدی، ۱۳۶۶، ح ۷۲۳۵)، و «کمک به نیازمند» (همان، ح ۱۷۷۷) است. در روایت دیگر آمده است که مردان زیادی به کمال رسیده‌اند ولی از زنان تنها چهار زن به کمال رسیده‌اند: آسیه همسر فرعون، مریم دختر عمران، خدیجه دخت خویلد و فاطمه دخت محمد (ص) (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۸۰).

قرآن کریم، حضرت آدم (ع) و انسان‌های دیگر را خلیفه خدا در زمین معرفی نموده است؛^۸ «به‌طوری که صفات و ویژگی‌های او پرتویی از صفات پروردگار باشد. بی‌تردید انسان‌هایی می‌توانند خلیفه خدا در زمین باشند که در ویژگی‌های کمال انسانی سرآمد باشند. داود (ع) از جمله این افراد است».

کلمه دیگر «امام» است. در قرآن کریم می‌فرماید: «(به خاطر بیاورید) هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگون آزمود، و او به‌خوبی از عهده برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام قرار دادم».^۹

خداوند ابراهیم را به ترتیب اول عبد، بعد نبی، بعد رسول، بعد خلیل قرار داد. پس چون همه آن موارد در او جمع شد فرمود: «تو را امام مردم قرار دادم».^{۱۰}

حضرت ابراهیم ۶۹ مورد در قرآن کریم ذکر شده و در ۲۵ سوره سخن از او مطرح گردیده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۴۶). به باور شهید مطهری حضرت ابراهیم

۱. بیش از ۲۴۰ آیه قرآن در مورد تقوا آمده است.
۲. ۴۰ آیه قرآن در مورد فلاح آمده است.
۳. ۲ آیه درباره سعادت آمده است (هود، ۱۰۸-۱۵۰).
۴. ۲۹ آیه قرآن در مورد فوز آمده است.
۵. بیش از ۸۲۰ آیه قرآن در مورد ایمان آمده است.
۶. بیش از ۱۰۰ آیه قرآن در مورد اسلام آمده است.
۷. «إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنَ خَلْقَنَا» (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۹).
۸. «... خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ...» (بقره، ۱۲۴).
۹. «قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره، ۱۲۴).
۱۰. «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۶).

انسان کاملی است که ارزش‌های انسانی در او هماهنگ با هم رشد کرد و رشدشان به حدّ اعلا رسید (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۲۸).

یکی دیگر از معادل‌های انسان کامل، را می‌توان «اسوه حسنه» دانست. در قرآن کریم آمده: «همانا برای شما در (روش) ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشق خوبی است، زیرا به قوم مشرک خود گفتند: همانا ما از شما و از آنچه جز خدا می‌پرستید، بیزاریم».^۱ و در مورد پیامبر اسلام نیز این آیه آمده که: «برای شما در رسول الله سرمشق نیکویی است».^۲

معادل دیگری که برای انسان کامل آمده کلمه «سابقون» است. «و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامند، آنها مقربانند! در باغ‌های پر نعمت بهشت (جای دارند)».^۳ بعضی از مصادیق سبقت گرفتن از دیدگاه قرآن عبارت‌اند از: «پیشی گرفتن در ایمان»^۴ «سبقت گرفتن در کارهای نیک»^۵. بنابراین در آیات قرآن هر جا سخن از ویژگی‌های فوق در حد بالا بود، می‌توانیم، آیه فوق را مربوط به انسان کامل و ویژگی‌های آن بدانیم.

در آیات قرآن عبارات دیگری را می‌توان یافت که دلالت بر انسان کامل دارد. قرآن از انسان‌هایی سخن می‌گوید که خدا به آنان نعمت داده است. به نظر می‌رسد تعبیر «أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» از دیگر راه‌های کشف ویژگی‌های انسان کامل در قرآن است. این افراد عبارت‌اند از: انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین (نساء، ۶۹). و «کسانی که حکمت داده شده‌اند»^۶ نیز نمونه‌هایی از انسان‌های کامل هستند. در مورد کشف مصادیق این اوصاف می‌توان با استفاده از آیات قرآن گفت که انبیای الهی در رأس انسان‌های کامل هستند. اوصیای انبیا در درجه دوم هستند. با بررسی ویژگی‌های این انسان‌ها نیز می‌توان به صفات انسان کامل از دیدگاه قرآن دست یافت. به این ترتیب می‌توان اوصاف پیامبران اولوالعزم یعنی ابراهیم، موسی، عیسی، و حضرت محمد(ص) و سایر پیامبران مانند داود، سلیمان، اسماعیل، یعقوب و یوسف(ع) و برخی انبیای دیگر را از اوصاف انسان کامل دانست.

امام باقر(ع) مصداق بارز «السابقون» را انبیا می‌داند (صفا قرمی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۸).

۱. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (ممتحنه، ۴).

۲. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱).

۳. «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ» (واقع، ۱۰-۱۲).

۴. «سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ» (حشر، ۱۰).

۵. «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره، ۱۴۸).

۶. «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (بقره، ۲۶۹).

کلمه «مخلصین» به فتح لام، نیز می‌تواند به انسان کامل اشاره داشته باشد. «و در این کتاب (آسمانی) از موسی یاد کن، که او مخلص بود و رسول و پیامبر و الامقام!»^۱ در وجه افتراق میان مخلص به کسر لام و مخلص به فتح لام گفته شده که مخلص به کسر لام به کسی می‌گویند که کارش فقط برای خداوند است ولی ممکن است شیطان در او اثر بگذارد، اما مخلص به فتح لام آن گروه برگزیده‌ای هستند که شیطان راه نفوذ بر آنان را ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۱، ص ۷۳).

عبارت اصطفا «برگزیدگان حق» نیز اشاره به مصادیقی از انسان کامل دارد. کسانی که از جانب خداوند برگزیده شده‌اند، انسان‌های کامل هستند.

«به راستی که خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد.»^۲ «و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.»^۳

«رَبِّیون» نیز اشاره به انسان‌های رشد یافته دارد که به غیر خدا مشغول نمی‌شوند. «چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست نشدند (و تسلیم نگردیدند) و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد.»^۴

«أَوْلِیَاءَ اللّٰهِ» نیز به مصادیقی از انسان کامل اشاره دارد. «آگاه باشید (دوستان و اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند! همانها که ایمان آوردند و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می‌کردند.»^۵ اولیا، جمع «ولی» به مفهوم نبودن واسطه میان دو چیز و نزدیکی و پی‌درپی بودن آنها است. به همین دلیل به هر چیزی که نسبت به دیگری قرابت داشته باشد خواه از نظر مکان یا زمان یا نسب و یا مقام «ولی» گفته می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۳۳۳).

در تعدادی از آیات قرآن، صحبت از «عِبَادُ الرَّحْمٰنِ» شده است (فرقان، ۶۳-۷۴). می‌توان مجموعه اوصافی را که برای این‌گونه افراد گفته شده است، مربوط به انسان‌هایی رشد یافته و کامل‌تر از سایرین دانست.

۱. «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا» (مریم، ۵۱).

۲. «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۳۳).

۳. «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۴۲).

۴. «وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران، ۴۶).

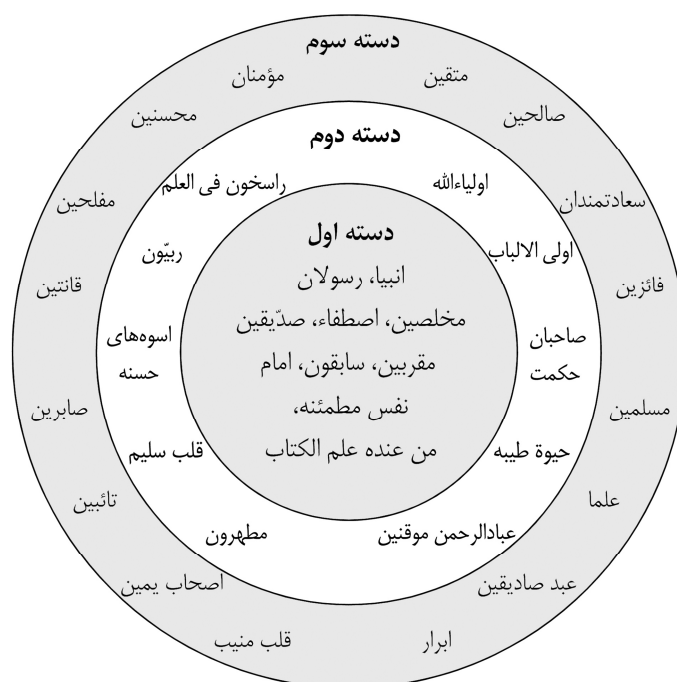
۵. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (يونس، ۶۲ و ۶۳).

کلمه «مقربین» را نیز می‌توان در معرفی انسان کامل به کار برد. «مقربین گروهی از خاصان و برگزیدگان مؤمنانند که مقامی بس والا دارند و شاهد نامه اعمال ابرار و نیکان دیگرند» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۲۶، ص ۲۷۳). «(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای [=وجود با عظمتی] از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش مسیح، عیسی پسر مریم است؛ در حالی که در این جهان و جهان دیگر صاحب شریعت خواهد بود و از مقربان (الهی) است»^۱.

کلمه «اولوالالباب» نیز ۱۶ مرتبه در قرآن آمده و در هر بار با یک ویژگی از انسان کامل بیان شده است. بعضی از ویژگی‌های اولوالالباب عبارت‌اند از: ۱. راز احکام را می‌فهمند: «و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید»؛^۲ آینده‌نگر می‌باشند: «و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد، پرهیزکاری است و پروا پیشه باشید ای خردمندان»؛^۳ دنیا را محل گذر می‌دانند نه مقصد: «بارالها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار!»؛^۴ از تاریخ درس عبرت می‌گیرند: «در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود»؛^۵ بهترین منطق را می‌پذیرند: «همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند»؛^۶ اهل تهجد و عبادت شبانه‌اند: «(آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است؟»؛^۷ اهل علم واقعی می‌باشند: «(آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟»؛^۸ بنابراین اهل علم واقعی کسانی هستند که در همه حال به خداوند توجه دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۹، ص ۳۹۶). در مجموع می‌توان استنباط کرد که قرآن کریم انسان کامل را با معادل‌هایی مانند: «خلیفه در روی زمین»، «امام»، «سابقون»، «مخلصین»، اصفیاء «برگزیدگان حق»، «أولیاء الله» و «اولوالالباب» آورده است؛ علاوه بر این کلمات، معادل‌هایی مانند تقوا، فلاح، فوز، سعادت، ایمان و اسلام نیز می‌تواند نشانگر مراحل از کمال باشد. در مجموع می‌توان کلمات و عبارات معادل انسان کامل را در سه دسته زیر قرار داد:

۱. «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (آل عمران، ۴۵).
۲. «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، ۱۷۹).
۳. «تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره، ۱۹۷).
۴. «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران، ۱۹۱).
۵. «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (يوسف، ۱۱۱).
۶. «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ... أُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۸).
۷. «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ... إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر، ۹).
۸. «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ» (زمر، ۹).

۱. کلماتی است که بر انسان کامل انطباق صددرصدی دارد. مثل: نبی، رسول، مرسل، مخلص، اصفیاء، صدیقین، مقربین، سابقون، امام و ائمه؛
۲. کلماتی است که معرف بخشی از انسان کامل است، مثل: «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»، «أَوْلِيَاءِ اللَّهِ»، «أُولَى الْأَلْبَابِ»، «رَبِّيُونَ»، «صاحبان حکمت»، «عِبَادُ الرَّحْمَنِ»، «اسوه حسنه» و...؛
۳. کلماتی است که مشترک بین انسان‌های کامل و سایر انسان‌هایی است که از حدی از کمال برخوردارند. مثل «ایمان»، «اسلام»، «سعادت»، «فلاح»، «فوز»، «تقوا»، «شهدا»، «صالحین»، «محسنین»، «قاتین» و مشتقات آنها؛ (شکل ۱) رابطه و همپوشی معادل‌های انسان کامل در قرآن کریم را نشان می‌دهد.
- بنابراین در بررسی انسان کامل در قرآن لازم است همه معادل‌های فوق بررسی شود و آیات مربوط با استفاده از روش‌های معتبر تفسیری تجزیه و تحلیل گردد.

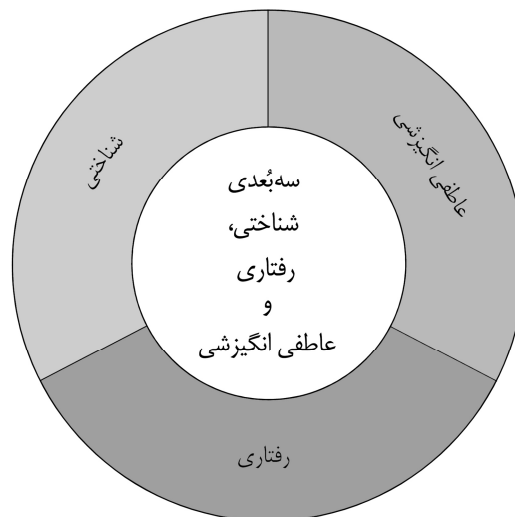


شکل ۱: نمایش رابطه و همپوشی معادل‌های انسان کامل در قرآن کریم

- دسته اول: کلمات کاملاً منطبق بر انسان کامل
- دسته دوم: کلمات نسبتاً منطبق بر انسان کامل
- دسته سوم: کلمات مشترک بین انسان کامل و مراتب پایین‌تر

نشانه‌های انسان کامل

اکنون براساس معادل‌هایی که برای انسان کامل بیان شد، ویژگی‌های انسان کامل، را بررسی می‌کنیم. از آنجا که این پژوهش به دنبال تحلیل ویژگی‌های انسان کامل در قرآن در قالبی روان‌شناختی است، این ویژگی‌ها را در یک ساختار سه‌بُعدی ترسیم کردیم (شکل ۲). این سه بُعد عبارت‌اند از: بعد شناختی، عاطفی‌انگیزشی و رفتاری انسان. روشن است که برخی از ویژگی‌ها در یکی از ابعاد فوق قرار می‌گیرد و برخی دیگر چندبُعدی است و ممکن است هر سه جنبه شناختی، عاطفی‌گرایشی و رفتاری از آنها برداشت گردد. اکنون به بررسی این ویژگی‌ها در چهار قسمت فوق می‌پردازیم:



شکل ۲: تقسیم‌بندی ویژگی‌های انسان کامل در چهار نوع رفتاری، عاطفی‌انگیزشی، شناختی و سه‌بُعدی

۱. ویژگی‌های شناختی

در این قسمت به بررسی بخشی از ویژگی‌های انسان کامل می‌پردازیم که کاملاً به دانش، تفکر و فرآیندهای شناختی انسان اختصاص دارد و می‌توان آنها را در این امور خلاصه کرد: دانش مستقیم و حیانی، دانش لذتی (علم کتاب، علم به ملکوت، تعبیر رؤیا، زبان حیوانات) علوم کتاب الهی، حکمت، تفکر و تدبر ویژه، تذکر و هوشیاری، علوم بشری و دنیوی. روشن است که برخی علوم مانند دانش و حیانی اختصاص به گروهی از انسان‌های کامل یعنی انبیا دارد.

دانش طلبی انسان کامل

الف) سخت‌کوشی در طلب علم: «موسی (ع) به همراهش گفت: من دست از جستجو برنمی‌دارم تا به محل برخورد دو دریا برسیم، حتی اگر سال‌ها (به راه خود) ادامه دهم».^۱ او در طلب علم از استاد آماده بود که یک عمر به دنبال او باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۲، ص ۴۸۱).

ب) ادب در پیشگاه استاد: «حضرت موسی در علم شریعت از خضر آگاه‌تر بود، ولی خضر در رشته دیگری غیر از آن آگاه‌تر بود» (تفسیر نور، ج ۷، ص ۱۹۸). علامه طباطبایی بعضی از روایات مربوط به حضرت موسی و خضر را حمل بر اختلاف نوع علمی که آن دو نفر داشتند، می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۳، ص ۳۸۴). به هر ترتیب حضرت موسی با «هل» اجازه پیروی کردن از خضر را طلب کرد و این کمال تواضع یک انسان کامل در برابر استاد را می‌رساند (عاملی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۰۷).

ج) به دنبال علم تعالی‌بخش: انسان کامل در پی دانشی است که باعث رشد و شکوفایی او گردد و برای وی فروتنی به ارمغان آورد. حضرت موسی به خضر گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟».^۲

دانش لدنی انسان کامل

الف) علم تعبیر رؤیا: «و با یوسف دو جوان دیگر وارد زندان شدند. یکی از آن دو نفر (نزد یوسف آمد و) گفت: من در خواب دیدم که برای شراب [انگور] می‌فشارم و دیگری گفت: من خود را در خواب دیدم که بر سرم نانی می‌برم و پرندگان از آن می‌خورند ما را از تعبیر خوابمان آگاه ساز، که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم»^۳ و حضرت یوسف خواب هر دو را به درستی تعبیر کرد. خواب پادشاه را نیز تعبیر کرد.

ب) داوری مناسب: کسانی می‌توانند منصب داوری را به عهده بگیرند که مثل داود از دانش مناسبی برخوردار باشند. و «حکومت او را (داود) استحکام بخشیدیم. (هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه».^۴

۱. «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا» (کهف، ۶۰).

۲. «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رَبُّكَ» (کهف، ۶۶).

۳. «وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِينًا بِنَاوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف، ۳۶).

۴. «وَسَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ» (سوره ص، ۲۰).

ج) علم کتاب: در ذیل کریمه «و کسانی که کفر ورزیدند گویند: تو فرستاده (خدا) نیستی، بگو: گواهی خدا و کسی که علم کتاب نزد او است، میان من و شما کافی است».^۱ مطابق روایات حضرت علی(ع) و اهل بیت(ع) علم کتاب را دارا می‌باشند (تفسیر نور، ج ۷، ص ۴۸۷). بنا بر نقل برخی از مفسرین آیه در شأن حضرت علی(ع) نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۴۳۶).

«یکی از یاران حضرت سلیمان، علمی از کتاب را دارا بود و تخت بلقیس را در یک چشم به هم زدن در نزد سلیمان حاضر ساخت»^۲ (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۳۴۹).

د) علوم ماوراء طبیعی: انسان کامل با عنایت خداوند، از علوم ماوراء طبیعی نیز برخوردار است «حضرت سلیمان گفت: ای مردم به ما سخن گفتن پرندگان تعلیم شده است».^۳ امیرمؤمنان(ع) فرمود: «خداوند به ما سخن گفتن با پرندگان را آموخت؛ همچنان که به سلیمان آموزش داد و سخن هر جنبنده در خشکی و دریا را به ما تعلیم داد» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۴۲۴).

ه) دانش وحیانی: پیامبران از ناحیه خداوند به علومی پی می‌برند که نه تنها آحاد مردم بلکه حتی نواغ هم به آن دانش‌ها دسترسی ندارند (نوح گفت: «رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم، و خیرخواه شما هستم و از جانب خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید»)^۴.

و) دانش به ملکوت: قرآن می‌فرماید: «و این‌گونه ملکوت آسمان‌ها و زمین (و حکومت مطلقه خدا بر آنها) را به ابراهیم نشان دادیم؛ (تا به آن استدلال کند) و اهل یقین گردد».^۵ ملکوت عالم اسرار نظم و شگفتی‌ها و جهان غیب است که خداوند آن را به ابراهیم ارائه داد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۰۹).

ز) حکمت: حکمت در اختیار انسان کامل قرار می‌گیرد. «ما به لقمان حکمت دادیم».^۶ حکمت آن شناخت علمی نافع است. حکمت حد وسط میان جهل و جریزه است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۲۲۶).

۱. «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد، ۴۳).

۲. «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌ كَرِيمٌ» (نمل، ۴۰).

۳. «وَوَرَّثَ سُلَيْمَانَ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مِنْ نَاطِقِ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ» (نمل، ۱۶).

۴. «أَلْيَعْلَمُ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحَ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف، ۶۲).

۵. «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ» (انعام، ۷۵).

۶. «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» (لقمان، ۱۲).

(ح) فرقان: انسان کامل بر اثر کسب تقوا و مدیریت خویش به مرحله بالایی از روشن بینی و تشخیص می‌رسد. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد».^۱

(ط) حالت تذکر: انسان کامل همواره خود را در محضر الهی مشاهده می‌کند و با این بینش کارها را به پیش می‌برد (موسی گفت: «تو همیشه از حال ما آگاه بوده‌ای»)^۲، انسان کامل همواره حالت هوشیاری دارد و از غفلت و بی‌توجهی دور است.

۲. ویژگی‌های عاطفی، انگیزشی

در بررسی آیات قرآن، ویژگی‌های عاطفی زیادی از انسان‌های کامل دیده می‌شود که ما آنها را در سه دسته قرار می‌دهیم؛ الف) مرتبط با خداوند مانند: محبت، خوف و خشیت، تسلیم، رضایت، توکل، آرامش معنوی، احساس ایمنی، نشاط و شادی معنوی، اخلاص در اعمال، خشوع در عبادات و امیدواری به رحمت او؛ ب) مرتبط به انسان‌های دیگر مانند: محبت به همه مردم، رأفت و رحمت نسبت به مؤمنین، غم و اندوه نسبت به مشکلات مردم، میل شدید به هدایت مردم، ملامت با مردم، تواضع نسبت به مؤمنان، محبت به همسر، خانواده و خویشان، دشمنی و نفرت از سارقان معنویت، پذیرش، ولایت انبیا و اوصیا؛ ج) مرتبط با خویشتن مانند: نبود ترس و نگرانی، نبود غم و اندوه، گشادگی سینه، عفاف و تقوا، مهار کامل عاطفی خویش، حلم و کظم غیظ، عزت نفس، زهد و بی‌رغبتی به دنیا، صداقت و صبر.

ویژگی‌های عاطفی مرتبط با خداوند

الف) محبت به خداوند: «آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا شدیدتر است».^۳ انسان کامل عشق زایدالوصفی نسبت به خدا دارد و هر میل و محبتی در برابر عشق خدا در نظرش بی‌ارزش و به طور کلی غیر او را لایق محبت نمی‌داند.

ب) خشیت از خدا: «و هر کس خدا و پیامبر را اطاعت کند و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند».^۴ بعضی معتقدند که «مقام "خشیت" مقامی بالاتر از "خوف" است، زیرا خوف به هر گونه ترس گفته می‌شود ولی خشیت ترسی است توأم با تعظیم و احترام» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۲۷، ص ۲۱۰).

۱. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (انفال، ۲۹).

۲. «إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا» (طه، ۳۵).

۳. «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره، ۱۶۵).

۴. «وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِ اللَّهَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (نور، ۵۲).

ج) تسلیم در برابر خدا: «آری، کسی که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است».^۱ «دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد و پیرو آیین خالص و پاک ابرهیم گردد؟».^۲

د) رضایت به مقدرات الهی: «هم خداوند از آنها خشنود است و هم آنها از خدا خشنوند؛ این رستگاری بزرگ است».^۳ «و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاودان (نصیب آنها ساخته) و خشنودی و رضای خدا (از همه اینها) برتر است».^۴

ه) توکل بر خدا: توکل، بعد شناختی و عاطفی را با هم دارد. بعد شناختی توکل در مورد اسناد امور و اتفاقات به خداوند و نیز رزق و روزی را از جانب خدا دانستن است. بعد عاطفی توکل آن است که «فرد، با تکیه و اعتماد بر خدا، آرامش و اطمینان قلبی را در خویش احساس کند» (شجاعی، ۱۳۸۳، ص ۳۹ و ۴۰).

«البته شیطان را بر کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، غلبه و سلطه‌ای نیست».^۵ «حضرت ابراهیم در جریان به آتش افتادن، توکلش تنها به خدا بود».^۶

و) آرامش معنوی: هنگامی که ما خود را در سایه لطف خدا قرار می‌دهیم و در امور زندگی خود را به او می‌سپاریم، حتی در مواقع خطر و در صحنه‌های شکست، دارای آرامش خاصی هستیم. البته خداوند آرامش را در قلوب مؤمنین قرار می‌دهد و یکی از صفات او را «مؤمن» شمرده است: «سپس خداوند "سکینه" خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد».^۷

ز) احساس ایمنی از خدا: «ایمنی جویی در سلسله‌مراتب نیازهای معنوی انسان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در برخی موارد نیاز به ایمنی جویی، فرد را به عبادت سوق می‌دهد» (شجاعی، ۱۳۸۳، ص ۳۵). این نوع ایمنی جویی گرچه در مرحله بالایی قرار ندارد ولی به هر حال برای عده‌ای از مردم که در سطح وسط یا پایین تر از آن قرار دارند، مناسب است. «آری، آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را به ظلم نیالودند امنیت از آن آنها است و آنها هدایت یافتگانند».^۸

۱. «بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۱۱۲).

۲. «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» (نساء، ۱۲۵).

۳. «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ نَبِّئِ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (مانده، ۱۱۹).

۴. «مَسَاكِينٌ ظَلِمَةٌ فِي جَنَّاتٍ عِدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه، ۷۲).

۵. «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (نحل، ۹۹).

۶. «قَالُوا حَرْفُهُ وَأَنْصُرُوا آلَهُتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ» (انبیاء، ۶۸).

۷. «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه، ۲۶).

۸. «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ» (انعام، ۸۳).

ح) خشوع در عبادت: «مؤمنان رستگار شدند، آنها که در نمازشان خشوع دارند»^۱. خشوع به معنی حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخصی بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پدید می‌آید و آثارش در بدن ظاهر می‌گردد.

ط) اخلاص در همه عبادات: «برنامه و مناسک حج را انجام دهید) در حالی که همگی خالص برای خدا باشید و هیچ‌گونه شریکی برای او قائل نشوید»^۲. این آیه مسئله اخلاص و قصد قربت را به عنوان محرک اصلی در حج و عبادات به‌طور کلی یادآور می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۹۴).

ویژگی‌های عاطفی مرتبط با انسان‌های دیگر

الف) محبت نسبت به مردم: انسان کامل مردم را عیال الله به حساب می‌آورد و آنها را دوست دارد و اگر کوچک‌ترین ناراحتی به مردم برسد، ناراحت می‌شود. پیامبر اسلام این‌گونه بود: «ناراحتی مردم برایش سخت بود و بر آسایش آنان حریص و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان بود»^۳. نیز «گویی می‌خواهد جان خود را از شدت اندوه از دست بدهد به خاطر اینکه آنها ایمان نمی‌آورند»^۴.

ب) نرم‌خو و دارای روحی لطیف: «پیامبر به (برکت) رحمت الهی، در برابر مردم، نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بود، از اطراف او پراکنده می‌شدند»^۵.

ج) عدالت: انسان کامل به گونه‌ای خود را با عدالت عجین ساخته که تجسم عدل گشته و همگان می‌توانند از او الگو بگیرند. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند!»^۶.

د) راستی: پیامبر اسلام در مورد برخی از سؤالاتی که از او شد با صداقت می‌فرمود نمی‌دانم؛ مثلاً در مورد فرارسیدن قیامت فرمود: «بگو! تنها علم مربوط به آن در نزد خدای من است»^۷. در مورد روح نیز می‌گوید: «روح از فرمان پروردگار من است؛ و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است»^۸.

۱. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (مؤمنون، ۱ و ۲).

۲. «حُنْفَاءٌ لِلَّهِ غَيْرِ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ» (حج، ۳۱).

۳. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸).

۴. «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يُكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۳).

۵. «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَيْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران، ۱۹۵).

۶. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائدة، ۸).

۷. «قُلْ إِنَّمَا عَلَّمَهَا عِنْدَ اللَّهِ» (احزاب، ۶۳).

۸. «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء، ۸۵).

ه) تواضع نسبت به مؤمنان: خداوند به پیامبر گوشزد می‌کند که «... بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر». ^۱ و در جای دیگر آمده: «و روی زمین با تکبر راه مرو! تو نمی‌توانی زمین را بشکافی و طول قامتت هرگز به کوه‌ها نمی‌رسد». ^۲

و) خشن در برابر دشمن: قرآن درباره حضرت محمد (ص) و یاران او می‌فرماید: «محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان هستند». ^۳

ز) پذیرش ولایت رسول و وصی او: قرآن می‌فرماید که «سرپرست و ولی شما تنها خدا است و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند، همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند»؛ ^۴ «و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند (پیروزند؛ زیرا)، حزب و جمعیت خدا پیروز است». ^۵

ح) اندوه نسبت به مشکلات مردم: «رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است». ^۶ «هرگونه ناراحتی و ضرری به شما رسد برای او سخت ناراحت‌کننده است. یعنی او نه تنها از ناراحتی شما خشنود نمی‌شود، بلکه بی‌تفاوت هم نخواهد بود، او به شدت از رنج‌های شما رنج می‌برد» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۴۰۷).

ویژگی‌های عاطفی مرتبط با خویشتن

الف) نبود ترس و نگرانی: «آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند». ^۷ «توصیف اهل ایمان به اینکه نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند، دلالت دارد بر درجه عالی ایمان که با آن معنی عبودیت تمام می‌شود؛ از فوت چیزی نمی‌ترسد و محزون نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۹۰).

ب) گشادگی سینه: «ای پیامبر! آیا ما سینه تو را گشاده نساختم؟». ^۸ مقصود از شرح صدر توسعه دادن به روح و فکر پیامبر و نیز وسعت علمی از طریق وحی و گسترش تحمل و استقامت در برابر لجاجت‌ها و کارشکنی‌های دشمنان است. حضرت موسی در مأموریت خویش به سوی فرعون از پروردگار خود سینه گشاده طلب کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۲۷، ص ۱۲۲).

۱. «اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۲۱۶).

۲. «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَكَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا» (اسراء، ۳۷).

۳. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹).

۴. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، ۵۵).

۵. «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده، ۵۶).

۶. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸).

۷. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (يونس، ۶۲).

۸. «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (شرح، ۱).

ج) عزت نفس: «آنها می‌گویند: اگر به مدینه بازگردیم عزیزان، ذلیلان را بیرون می‌کنند، در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند»^۱. عزت به مفهوم قدرت شکست‌ناپذیر است. مرد عزیز یعنی مردی که مغلوب و مقهور نمی‌گردد (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۱۸۵).

د) کظم غیظ: خداوند در وصف متقین می‌فرماید: «همان‌ها که در توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند؛ و خشم خود را فرومی‌برند»^۲. کظم به معنی رد و حبس کردن آمده است (همان، ج ۱۲، ص ۱۰۵) و غیظ به مفهوم غضب (همان، ج ۱۰، ص ۱۵۸).

ه) زهد: حضرت علی(ع) می‌فرماید: «زهد در دو جمله قرآن خلاصه شده است: ... اینکه متأسف نشوید بر آنچه (از مادیات دنیا) از شما فوت می‌شود و شاد نگردید بر آنچه خدا به شما می‌دهد». هر کس بر گذشته اندوه نخورد و برای آینده شادمان نشود، بر هر دو جانب زهد دست یافته است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۹).

۳. ویژگی‌های رفتاری انسان کامل

این ویژگی‌ها در چهار بُعد: معنوی الهی، اجتماعی، اقتصادی، شخصی خانوادگی، سیاسی نظامی بررسی می‌شود.

رفتارهای معنوی الهی

الف) نماز: انسان‌های کامل نمازهای واجب خود را اقامه می‌کنند و از خدا می‌خواهند که آنان را از اقامه‌کنندگان نماز قرار دهد. قرآن کریم از زبان ابراهیم(ع) می‌فرماید: «پروردگارا! مرا برپاکنده نماز قرار بده و از فرزندانم (نیز چنین فرما) پروردگارا! دعای مرا بپذیر»^۳.
ب) روزه: «ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد، تا پرهیزکار شوید»^۴.

ج) عبادات شبانه: قرآن در وصف بندگان خدای رحمان، شب‌زنده‌داری آنان به قیام و سجده را بیان می‌کند.^۵ «و پاسی از شب را (از خواب برخیز) قرآن (و نماز) بخوان!

۱. «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلَيْلَهُ حَرَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ» (منافقون، ۸).

۲. «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۴).

۳. «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم، ۴۰).

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، ۱۸۳).

۵. «وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا» (فرقان، ۶۴).

این وظیفه اضافی برای تو است؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد.^۱

د) قرائت کتاب الهی: انسان‌های کامل با شایستگی تمام به قرائت قرآن می‌پردازند و از نورانیت آن وجود خویش را منور می‌سازند. خداوند به پیامبر اسلام دستور می‌دهد که «نیمی از شب را یا کمی از آن کم کن، یا بر نصف آن بیفز، و قرآن را با دقت و تأمل بخوان».^۲

ه) حج و مناسک آن: رفتن به زیارت خانه خدا و اعمال و مناسک عبادی حج که با شرایطی بر آدمی واجب می‌شود، موجب کمال بیشتر می‌گردد. خداوند متعال می‌فرماید: «در آن، نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس داخل آن [= خانه خدا] شود، در امان خواهد بود؛ و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن را دارند».^۳ ائمه (ع) بارها پیاده به سفر حج می‌رفتند (حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۸۸) و حضرت حجة ابن‌الحسن (ع) هر ساله در سفر حج حضور دارند (حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۹۶).

و) شروع کار با نام خدا: انسان کامل هر کاری را به یاد او و با نام او آغاز می‌کند. حضرت نوح حرکت دادن کشتی و ایستایی آن را متوقف بر «بسم الله» می‌داند. حضرت سلیمان در نامه‌ای که به ملکه سبا نوشت آغاز آن را «بسم الله» قرار داد.^۴

ز) رعایت دستورات الهی: انسان‌های کامل همواره به دنبال انجام رفتارهایی هستند که رضایت خدا را جلب می‌کند و هنجارهای دینی را رعایت می‌کنند. مطابق دستورات دینی می‌خورند و می‌آشامند؛ در رفتارهای جنسی، مراقب پاکدامنی خود می‌باشند. همه جزئیات زندگی آنها براساس دستورات الهی شکل می‌گیرد.

رفتارهای اجتماعی، اقتصادی

الف) رفتار ملایم: «خداوند متعال کسی را که از آمدن یک نابینا در کنار او رو ترش کرده، مورد توبیخ و سرزنش قرار داده است».^۵ انسان کامل پناه و حامی مستضعفان است و آنها را از خود طرد نمی‌کند.

۱. «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (اسراء، ۷۹).

۲. «يُصْفَهُ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا» * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» (مزل، ۳ و ۴).

۳. «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۹۷).

۴. «وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (هود، ۴۶)؛ «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (نمل، ۳۰).

۵. «عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ» (عبس، ۱ و ۲).

ب) کمک به محرومان: حضور پیامبر(ص) در پیمان حلف‌الفضل نمونه‌ای از حمایت انسان‌های کامل از مظلومان است (سبحانی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۸۴).

ج) حرکت بر پایه عدالت و قسط: «پیامبران الهی به سوی مردم گسیل شده‌اند تا مردم به عدالت و قسط قیام نمایند»^۱.

د) مدارا با مردم: مدارا کردن با مردم از هنجارهایی است که از ناحیه انسان کامل نسبت به کسانی که در حق او جفا کرده‌اند، صورت می‌گیرد. «با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنها ستیزه مکن)»^۲.

ه) حمایت‌های مالی از مردم: یکی دیگر از رفتارهای انسان کامل پرداخت زکات و خمس و ادای حقوق مالی است. «ای پیامبر! از اموال آنها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آنها را پاک‌سازی و پرورش دهی! و (به هنگام گرفتن زکات) به آنها دعا کن، که دعای تو، مایه آرامش آنها است، و خداوند شنوا و دانا است»^۳.

انفاق مستحب و بخشش مال به محرومان از دیگر رفتارهای حمایتی انسان کامل است. «علی(ع) چهار درهم نزد خود داشت یک درهم آن را شب، یک درهم را روز، یک درهم آن را آشکار و یک درهم آن را پنهانی صدقه داد» (زمخشری، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۳۹۸). آیه‌ای در شأن آن حضرت نازل گردید که «آنان که اموال خود را شب و روز، پنهان و آشکارا انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنها است و نه غمگین می‌شوند»^۴.

ز) مشورت با مردم در تصمیم‌گیری‌ها: «ای پیامبر! در کارها با آنها مشورت کن»^۵. پیامبر اسلام در جنگ بدر و نیز در جنگ احد نیز درباره تصمیمات نظامی، با اصحاب مشورت کرد (مطهری، بی‌تا، ص ۲۴۱).

رفتارهای شخصی، خانوادگی

«و از نشانه‌های خداوند این است که همسرانی، از جنس خودتان، برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید»^۶. مرد و زن هر کدام به تنهایی ناقص و به دیگری نیازمند است و از مجموع مرد و زن، واحد تمامی به وجود می‌آید؛ به جهت همین نقص، هر کدام از زن و مرد به سوی

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵).

۲. «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف، ۱۹۹).

۳. «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه، ۱۰۳).

۴. «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۲۷۴).

۵. «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران، ۱۵۹).

۶. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱).

جفت خود حرکت می‌کند و با رسیدن به همسر خود، سکونت و آرامش پیدا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۱۷۳ و ۱۷۴). پس یکی از آثار روان‌شناختی ازدواج، کمال و رشد انسان است (سالاری فر، ۱۳۸۹، ص ۵۷). کسانی که ازدواج نکرده‌اند با وجود عفاف، نوعی رشدنا یافتگی در آنها دیده می‌شود (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶ و ۲۶۷). بنابراین یکی از ویژگی‌های انسان کامل نگرش مثبت به ازدواج و انجام آن می‌باشد.

البته حق همسر و خانواده تنها با تأمین هزینه زندگی و فراهم کردن مسکن و تغذیه و پوشاک حاصل نمی‌شود بلکه مهم‌تر از آن تغذیه روانی آنها با به کار گرفتن اصول صحیح تعلیم و تربیت است» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۲۴، ص ۲۸۶). انبیا فرزندان خود را به اقامه نماز دعوت می‌کردند در مورد پیامبر اسلام (ص) آمده است: «خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش! از تو روزی نمی‌خواهیم؛ (بلکه) ما به تو روزی می‌دهیم؛ و عاقبت نیک برای تقوا است».^۱

انسان کامل، به تربیت خانواده توجه ویژه‌ای دارد و برای رسیدن به آن، همه تلاش خود را مبذول می‌دارد. «آنها پیوسته از درگاه خدا دعا می‌کنند که پروردگارا! از همسران و فرزندان ما کسانی قرار ده که مایه روشنی چشم ما گردد».^۲

انسان‌های کامل نسبت به رعایت عفاف در همسران خود حساس هستند. «ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلیب‌ها [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است».^۳ «آنان با همسر به‌طور شایسته و صحیح رفتار می‌کنند».^۴

رفتارهای شخصی، خانوادگی و مباحث تربیتی خانواده گسترده‌تر است از آنکه بشود حتی اشاره‌ای در این مختصر به آنها داشته باشیم، بنابراین علاقه‌مندان را به متون تخصصی در آن باب، ارجاع می‌دهیم.

رفتارهای سیاسی، نظامی

حکم به حق: انسان کامل در صورتی که به حکومت رسید، حق‌محوری را سرلوحه امور

۱. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه، ۱۳۲).

۲. «فَقَدْ كَذَّبَكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يظْلِمِ مِنْكُمْ نُدْفَهُ عَذَابًا كَبِيرًا» (فرقان، ۱۹).

۳. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب، ۵۹).

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء، ۱۹).

خویش قرار می‌دهد. «ای داود ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم، در میان مردم به حق داوری کن، و از هوای نفس پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف می‌سازد».^۱

احیای احکام الهی: هنگامی که انسان کامل مبسوط الید شده و تمکن یافت اقدام به برپایی و زنده کردن احکام الهی می‌نماید. همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خدا است.^۲

رجوع به دستور الهی در نزاع: انسان‌های کامل تنها از حکم خدا و رهبر الهی تبعیت می‌کنند و در هنگام نزاع، به طاغوت مراجعه نمی‌کنند. بلکه به رسول خدا و رهبر دینی مراجعه می‌کنند. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی الامر [= اوصیای پیامبر] را و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید».^۳

تقویت روحی، روانی: مسلمانان به جهت انگیزه الهی و ایمان سرشار به خداوند و معاد و شوق رفتن به بهشت از جنگ کردن و کشته شدن هراسی ندارند. اگر بکشند، پیروزند و اگر کشته شوند باز هم پیروزند. انسان‌های کامل با پشتوانه عقیدتی محکم و با صبر و استقامت می‌توانند بر نفرت زیادی از دشمن پیروز شوند.^۴

برای مطالعه رفتارهای سیاسی - نظامی انسان کامل از دیدگاه قرآن نیز باید به متون تخصصی مراجعه کرد.

۴. ویژگی‌های سه‌بعدی انسان کامل

برخی از ویژگی‌های انسان کامل در قرآن، دارای هر سه جنبه شناختی، عاطفی و رفتاری است. ایمان به خداوند، انبیا و رسالت آنها، نیز ایمان به زندگی پس از مرگ و پاداش و عقاب اخروی، ایمان به غیب، باور به ولایت و وصایت اولیای الهی همه سه‌بعدی هستند.

به نظر می‌رسد که مقوله ایمان، سه‌بعدی است. یک بُعدش شناختی، بُعد دیگرش عاطفی و انگیزشی و بُعد سوم آن آمادگی رفتاری است. این تحقیق نظریه سه‌بعدی بودن ایمان

۱. «یا داوودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (سوره ص، ۲۶).

۲. «الَّذِينَ إِذَا مَكَتُّهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج، ۴۱).

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء، ۵۹).

۴. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (انفال، ۶۵).

را که برخی محققان تبیین نموده‌اند (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰) را پذیرفته و بر همین اساس سه مقوله ایمانی مهم یعنی ایمان به خدا، رسالت انبیا و معاد را از ویژگی‌های انسان کامل می‌داند و به تبیین آن می‌پردازد.

ایمان به خداوند و باور توحیدی در رأس باورهای انسان کامل است. در قرآن این باور را از همه انبیا نقل می‌کند. هنگامی که خداوند موسی (ع) را به پیامبری برگزید به او فرمود: «پس به آنچه به تو وحی می‌شود گوش فراده! همانا منم الله، جز من خدایی نیست».^۱ و در مورد دیگر آمده «ما پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست بنابراین تنها مرا پرستش کنید».^۲

(حضرت ابراهیم گفت: «من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را آفریده، من در ایمان خود خالصم و از مشرکان نیستم»)^۳.

ایمان به صفات نامتناهی خدا نیز از توابع ایمان به خدا است. ابراهیم (ع) گفت: «پروردگارا! تو می‌دانی آنچه را ما پنهان و یا آشکار می‌کنیم، و چیزی در زمین و آسمان بر خدا پنهان نیست!».^۴ در این آیه ایمان حضرت ابراهیم به علم نامتناهی خداوند را بیان می‌کند. انسان کامل اراده خداوند را بر همه علل و عوامل حاکم بر طبیعت قاهر و غالب می‌داند. حضرت زکریا در سن پیری، هنگامی که پایه بدن او یعنی استخوان‌ها به ضعف و سستی گرایید و بدن او ضعیف شده بود باز هم از خداوند درخواست فرزند کرد. «خداوند! از طرف خود فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما».^۵

انسان‌های کامل به پیامبران و اوصیای آنان نیز ایمان دارند. «و (به یاد آور) زمانی را که خداوند از پیامبران (گذشته) پیمان گرفت که هر گاه کتاب و حکمت به شما دادم، سپس پیامبری (در آینده) به سوی شما آمد که او آنچه را که با شما است (تورات و انجیل) قبول داشت حتماً باید به او ایمان آورید و قطعاً باید او را یاری کنید».^۶ مؤمنین می‌گویند: «ما فرق نمی‌گذاریم بین هیچ کدام از پیامبران در ایمان به آنان یعنی این طور نیستیم که به بعضی ایمان

۱. «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ * إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه، ۱۳ و ۱۴).

۲. «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُّوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (انبیاء، ۳۵).

۳. «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُّوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (انعام، ۱۵۹).

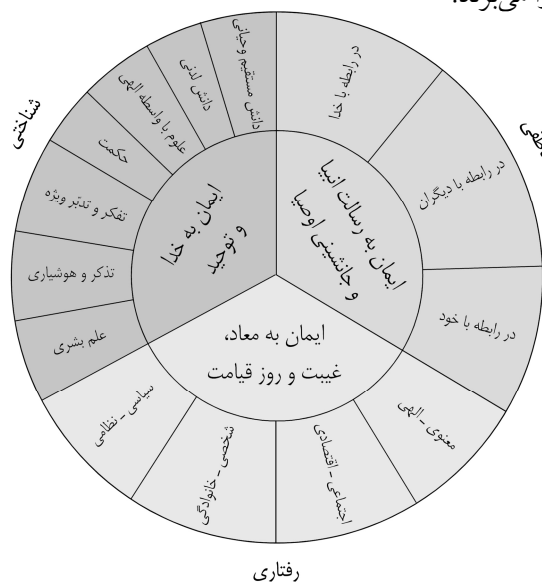
۴. «رَبَّنَا إِنَّكَ تَعَلَّمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم، ۳۸).

۵. «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً» (آل عمران، ۳۸).

۶. «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» (آل عمران، ۸۱).

بیاوریم و به بعضی دیگر کافر شویم همچنان که اهل کتاب از یهود و نصاری این کار را انجام دادند» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۸۹).

ایمان به قرآن و پذیرش آن در کنار ایمان به عترت است (همان، ج ۲، ص ۶۸۹). انسان‌های کامل علاوه بر ایمان به خداوند و پیامبران و اوصیای آنها، به معاد و روز رستاخیز نیز ایمان دارند. انسان کامل می‌داند که خداوند هستی را بیهوده و باطل نیافریده، و اعتقاد راسخ به معاد و بازگشت به سرای دیگر دارد. او می‌داند که عده‌ای از بندگان خداوند به خاطر سرکشی و نافرمانی حق، گرفتار عذاب الهی می‌باشند، از این رو می‌گوید: «پروردگارا! هر کس را به دوزخ افکنی، پس او را خوار ساخته‌ای و برای ستمگران یآوری نیست»^۱. ایمان به معاد عاملی قوی برای حرکت به سمت خوبی‌ها است. «بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورده است»^۲. انسان‌های کامل به وسیله ایمان راسخ به معاد، امیال خود را تعدیل می‌کنند و از آیات الهی کمال استفاده را می‌برند.



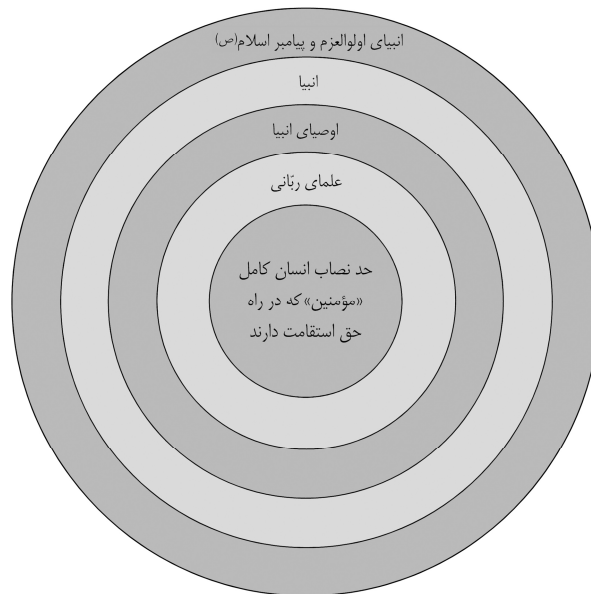
شکل ۳: ویژگی‌های انسان کامل در قرآن

ویژگی‌های سه‌بعدی در دایره مرکزی و ویژگی‌های یک‌بعدی در سه بخش دایره بزرگ آمده است.

۱. «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِيئًا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران، ۱۹۲).

۲. «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره، ۱۷۷).

بررسی آیات مربوط به انسان‌های کامل و دیدگاه‌های مفسران شیعه نشان می‌دهد که ایمان و مراتب آن، نشان‌دهنده کمال و مراتب آن در قرآن است. به این ترتیب، اوج کمال انسانی در بالاترین مرتبه ایمان به خدا است. (در شکل مراتب انسان کامل را در طرحی به تصویر کشیده‌ایم).



پایین‌ترین مرتبه انسان کامل، مؤمنان هستند که در راه خدا استقامت ورزیده‌اند. دومین مرتبه علمای ربّانی هستند که علاوه بر ایمان و تقوا، به مقام هدایتگری معنوی مردم رسیده‌اند. در مرتبه بعدی اوصیای انبیا قرار گرفته است، سپس انبیای الهی و از میان آنها پیامبران اولوالعزم و در نهایت پیامبر اسلام (ص) را می‌توان دارای بالاترین مراتب کمال دانست.

البته در میان انسان‌های کامل، افرادی وجود دارند که نمی‌توان مرتبه واقعی آنان را معین کرد، برای نمونه حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س) و ائمه معصومین (ع)، جایگاه والایی دارند که گاه از بسیاری از انبیای الهی بالاتر شمرده شده‌اند. در این بررسی ما براساس ظواهر آیات قرآن طرحی ترسیم کردیم، هرچند اذعان داریم که درک بطون آیات قرآن می‌تواند درک روشن‌تری از مراتب کمال در اختیار قرار دهد.

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غررالحکم ودررالكلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
ابن سینا (۱۴۰۴)، الشفاء، قم: نشر مکتبه آیت‌الله المرعشی نجفی.
ابن منظور (۱۴۰۸)، لسان العرب، چ ۱، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
بشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، ارائه الگوی انسان کامل براساس ویژگی‌های شخصیتی پیامبر اکرم (ص) از دیدگاه قرآن کریم، پایان‌نامه دکترا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
جبلی، عبدالکریم (بی‌تا)، انسان الکامل فی معرفة الاواخر والاولئ، بیروت: [بی‌نا].
جمعی از مؤلفان (۱۳۸۵)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، چ ۲، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
حرّ عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۳)، وسائل الشیعه، چ ۵، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
زمخشری، جارالله (۱۳۹۷)، الکشاف عن حقائق التنزیل، چ ۱، [بی‌جا]: نشر دارالفکر.
سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۹)، آشنایی با روان‌شناسی، چ ۱، قم: نشر هاجر.
سبحانی، جعفر (۱۳۷۰)، فروغ ابدیت، چ ۶، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۳)، توکل به خدا، حرمت خود و سلامت روان، چ ۱، قم: نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
شولتس، دوآن (۱۳۸۴)، روان‌شناسی کمال، مترجم گیتی خوشدل، چ ۱۲، تهران: نشر پیکان.
شیرازی، صدرالمآلهین (۱۹۸۱)، الحکمة المتعالیه، چ ۳، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
صفار قمی، ابوجعفر (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات، تصحیح میرزا محسن کوچه باغی، قم: نشر مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.
طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
طبرسی، ابی‌علی‌الفضل بن الحسن (۱۴۰۸)، مجمع البیان، چ ۲، بیروت: نشر دارالمعرفه.

عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۲)، منیة المرید، [بی‌جا]: نشر مجمع الذخایر الاسلامیه.
 کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)، اصول کافی، مترجم سیدجواد مصطفوی، [بی‌جا]: نشر
 فرهنگ اهل بیت.

مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳)، بحار الانوار، چ ۲، بیروت: نشر مؤسسه الوفاء.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، انسان کامل، قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی.

_____ (۱۳۸۹)، تعلیم و تربیت در اسلام، چ ۶۷، تهران: نشر صدرا.

_____ (بی‌تا)، سیری در نهج البلاغه، تهران: نشر صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷)، تفسیر نمونه، چ ۲۳، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.